



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۲/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

ارائه برنامه ای برای پردیسه‌های صنایع دستی

محمدحسین شاهانی^۱

۱- دانش آموخته معماری دانشگاه یزد، مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان
hosseinshahani@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر می‌کوشد نشان دهد که از اثرگذاری پردیس و باغ ایرانی می‌توان برای حفظ و توسعه صنایع دستی بهره گرفت. بدین منظور در گام نخست به مطالعه بر تعاریف پردیس و صنایع دستی می‌پردازد. این پژوهش بیان می‌کند که باغ و صنایع دستی دارای ارتباطی ویژه در بستر معماری هستند و مصادیقی از این ارتباط در گذشته یافت می‌شود. بر اساس شناسایی این ارتباط در معماری می‌توان نحوه تصدی مطلوبی را برای پردیسه‌های صنایع دستی ارائه نمود. تعامل بخش‌های خصوصی و دولتی در تصدی این پردیسه‌ها گروه‌های مختلفی از بهره برداران را می‌تواند مورد توجه قرار می‌دهد. بر پایه شناسایی این گروه‌ها نیز ارائه یک برنامه روزانه برای این پردیسه‌ها ممکن می‌شود. از طریق بررسی یک نمونه موردی، این پژوهش در انتها به نحوه کاهش اثرات محدودیتهای موجود در اقلیم گرم و خشک ایران برای طرح و بهره برداری پردیسه‌های صنایع دستی می‌پردازد.

کلمات کلیدی: برنامه، بهره برداران، پردیس، صنایع دستی، معماری.

۱- مقدمه

تا کنون برای احداث پردیس‌ها و باغ‌ها طرح‌های متعددی در نظر گرفته شده است. اگرچه پردیس و باغ در حوزه معماری ایرانی دارای معنی مشخصی است، ولی این طرح‌های متعدد خود پوشش دهنده اهداف متفاوتی نیز بوده‌اند. این اهداف از حیث متمر بودن، زیبایی فضا و نیز مذهبی، سیاسی و تفریحی بودن بررسی شده‌اند (متدین و متدین، ۱۳۹۴). بدین لحاظ، می‌توان از جنبه‌های اثرگذار پردیس‌ها و باغ‌ها برای سایر زمینه‌های هنری نیز بهره برد.

از سوی دیگر، لزوم حفظ و توسعه صنایع دستی بر کسی پوشیده نیست. در این بین، صنایع دستی ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. در فرهنگ معین صنایع دستی برابر است با صنعت‌هایی که دست در آنها دخیل است (معین، ۱۳۸۱). صنایع دستی هم‌حالت کارگاهی و هم‌خانگی قابلیت استقرار در شهر و روستا را دارد و بدون نیاز به تکنولوژی پیشرفته، بیشتر به تخصص‌های بومی و سنتی متکی است و قسمت اعظم مواد اولیه مورد مصرف آن از داخل کشور قابل تهیه و تأمین است. صنایع دستی دارای ویژگی‌های هنری و مصرفی به طور توأمان بوده و علاوه بر داشتن جنبه‌های مصرفی قوی، برخوردار از بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولیدکننده نیز هست و در مجموع می‌توان آن را یک هنر-صنعت نامید (طرح جامع صنایع دستی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ایران، ۱۳۸۶). به لحاظ تنوع، صنایع دستی ایران در رأس همه کشورهای جهان قرار دارد که عامل مهم برای جذب گردشگران به شمار می آید، چراکه هر اثر صنایع دستی بازگو کننده خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی یک منطقه است و می تواند در شناساندن هنر اصیل و بومی و فرهنگ تأثیر بسزایی داشته باشد (یاوری، ۱۳۸۹). بنابراین، حفظ و توسعه صنایع دستی ایران را می توان از منظر ارزشهای هنری و همچنین فرهنگی مورد توجه قرار داد.

در راستای حفظ و توسعه صنایع دستی ایرانی، شماری از پژوهشهای معماری به لزوم اختصاص فضاهایی برای صنایع دستی پرداخته اند. البته حفظ و توسعه صنایع بومی به عنوان یک ارزش مهم در طرح مراکز فن و حرفه آموزی نیز مطرح بوده است (Shahani, 2021). همچنین در مقیاس شهری چنین فضاهایی برای صنایع دستی مورد بررسی قرار گرفته اند. برای نمونه شهرک صنایع دستی اینگونه تعریف شده است: مکانی است که صنایع دستی مختلف در آن گرد هم می آیند تا هنر یک ملت را به نمایش گذارند (عبداله زاده فرد، ۱۳۹۶). برنامه ریزی فضاهایی با محوریت بازارهای صنایع دستی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۱). در این میان، برنامه ریزی و طرح پردیسهایی که مطالعات ذکر شده را به هم پیوند دهد مفید می باشند. در نهایت این گونه برنامه ها می تواند با پرداختن به ارتباط اهداف صنایع دستی و احداث پردیس ها در ایران اهمیت ویژه ای یابد.

بنابراین، پژوهش حاضر می کوشد نشان دهد که از اثرگذاری پردیسهها و باغها می توان برای حفظ و توسعه صنایع دستی بهره گرفت. نتایج این پژوهش می تواند از منظر برنامه ای جهت گسترش و ارتقای جایگاه صنایع دستی در ایران مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین نتایج مذکور می تواند اهداف ساخت پردیسهها و باغها را توسعه دهد.

۲- روش شناسی

این پژوهش در پی پاسخ گفتن به این پرسش است که چگونه می توان برنامه ای برای پردیسههای صنایع دستی ارائه نمود. در این زمینه، همانگونه که پیشتر اشاره شد، چگونگی ارتباط صنایع دستی و پردیس ها در این پژوهش اهمیت ویژه ای دارد. برای مشخص شدن این ارتباط، پژوهش حاضر از شیوه مطالعه کتابخانه ای بهره میگیرد. بدین صورت که ابتدا به طور جداگانه تعاریف پردیس و صنایع دستی مورد بررسی قرار می گیرد. سپس نحوه ارتباط ویژه آنها در معماری مورد بررسی قرار میگیرد. پس از مشخص شدن ابعاد این ارتباط، پژوهش حاضر به طور موردی اثرات آنها را برای برنامه ریزی یک پردیس صنایع دستی در شهر یزد- که در اقلیم گرم و خشک قرار گرفته- با بهره گیری از مشاهدات میدانی و نرم افزارها واکاوی می نماید.

۳- ارتباط پردیس با هنر و صنعت

در معماری ایرانی، لفظ پردیس برای فضای سبز، باغ، گلکاری و درختکاری پیرامون بنا به کار رفته است (پیرنیا، ۱۳۹۰). این واژه در لغت نامه دهخدا نیز دارای تعریف مشابه ای است (دهخدا، ۱۳۷۷). در چنین زمینه ای، این واژه دلالت بر جنبه های مرتبط با بهشت بر روی زمین داشته است، بطوریکه گسترش دامنه کاربرد آن به سایر زبانها گویای اهمیت آن است. برای نمونه، می توان به واژه فردوس که برگرفته از پردیس است اشاره نمود که در قرآن مجید و سایر متون اسلامی به کار رفته است. البته اهمیت باغ و پردیس را از کیش قدیم ایرانیان نیز می توان پیگیری نمود.

"آئین و کیش قدیم ایرانیان به کشاورزی و باغ سازی اهمیت خاصی داده، آنرا ستایش نموده است. چنانکه در وندیداد (فرگرد سوم- فقره ۳۳ می خوانیم که زرتشت به اهورامزدا می گوید: ای آفریننده جهان مادی، ای یگانه پاک، چهارمین کسی که زمینه را به منتهی درجه وجد آورد کیست؟ اهورا مزدا پاسخ می دهد، آنکس که

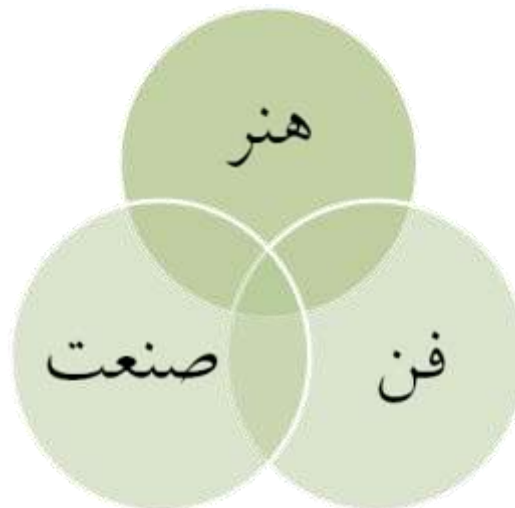


ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

بیشترین مقدار گندم کشت کند و بیشترین سبزیها بکارد و بیشترین درختها بنشانند کسی که زمین خشک را آب دهد و زمین خیس (باتلاق) را بخشکاند و زیر کشت ببرد". (آریان پور، ۱۳۶۵)

در دوران پس از اسلام نیز اهمیت پردیس و باغ را به وضوح می توان مشاهده نمود. همانطور که می دانیم در قرآن مجید نیز اشاره های متعددی به بهشت و زیبایی آن شده است. در دین اسلام کاشتن درخت پسندیده و از بین بردن و قطع بیمورد آن نکوهیده شمرده شده و در این مورد احادیث و روایات فراوانی در دست است (پیرنیا، ۱۳۹۰). بدین سبب، زمینه برای گسترش پردیس ها و باغها در جوامع اسلامی فراهم بوده است.

از سوی دیگر، معنای هنر با معنای صنعت نزدیک است و این نکته در شماری از تعاریف هنر آورده شده است. هنر در فرهنگ معین برابر است با شناسایی همه قوانین عملی مربوط به شغل و فنی، "معرفت توأم با ظرافت و ریزه کاری"، "طریقه اجرای امری طبق قوانین و قواعد"، صنعت، و "مجموعه اطلاعات و تجارب" (معین، ۱۳۸۱). به طور کلی کاربرد تعریفی که محمد معین از هنر ارائه میکند امروزه متداول است. البته چنین تعریفی در گذشته نیز در زبان و ادب فارسی مورد توجه بوده است. مصنفان فارسی گوی کلاسیک نظیر فردوسی، لفظ هنر را به عام ترین معنای آن، یعنی هم به معنای فرهنگ و هنر و هم به معنای صنعت به کار برده اند. لفظ صنعت هم، که امروزه صرفاً به عنوان معادلی برای تکنولوژی به کار می رود، معادل crafts است که در فرهنگ فارسی و اسلامی همان هنر، یا به عبارت دقیق تر، هنرهای تجسمی است. همچنین هنر و فن نیز دو مفهوم مجزا نیستند، بلکه هر دو بر یک معنا دلالت میکنند (نصر، ۱۳۸۹). پس در مجموع، معنای هنر، فن، و صنعت با یکدیگر پیوند ژرفی دارند به طوریکه حتی هر یک در گذشته به جای دیگری کاربرد داشته است (شکل ۱).



شکل ۱- معنای هنر، فن، و صنعت با یکدیگر پیوند ژرفی دارند

در این میان به ارتباط ویژه پردیس و هنر نیز می بایست اشاره کرد. اگرچه همانگونه که پیشتر عنوان شد باغ و پردیس در بستر معماری ایرانی تعریف مشخصی دارد، ولیکن می توان در مقیاسی وسیع تر به ارتباط بین پردیس و هنر و صنعت اشاره نمود. برای نمونه، فرش ایرانی استمرار دهنده اثرات باغ در زندگی ایرانیان است. نقش باغ در هر جا، هم تشنگی معنوی ایرانی مسلمان را پاسخ میدهد و هم اقلیم پاک و فضای مطبوع و سرسبز طبیعت یاد آور میگردد، پس این نقش را بر تارک هنرهای خود میزند (چیت سزایان، ۱۳۸۸). مضافاً، در باغهای ایرانی مانند آثار هنری دیگر، سعی شده تا از بیهودگی پرهیز شود. در باغهای ایرانی هم مانند ساختمانها (که چیز بیهوده ای در آن نمی ساختند) بوته ای بی مورد پیدا نمی شده است (پیرنیا، ۱۳۹۰). بدین صورت ارتباط خاصی بین هنر، صنعت و آثار پردیس آشکار می شود که بیانگر اهمیت این ارتباط در برنامه ریزی و طرحهای معماری است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

به گونه بارزی این ارتباط پیشتر نیز در ایران قابل بررسی بوده است. برای نمونه، شهر اصفهان به عنوان یک باغ-شهر از جهاتی به طور بالفعل، مصداقی برای ارتباط پردیس و صنایع دستی است. در واقع در محور تاریخی-فرهنگی، در حال حاضر مشخصه ها و یا ویژگی ها و شرایطی وجود دارد که از نظر خلاقیت صنایع دستی قابل توجه است (از جمله: تنوع آثار صنایع دستی، قدمت صنایع دستی و هنری و دسترسی محور به اماکن تاریخی) (حیدری پور و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، گسترش معماری باغ در همراهی با طرح فضاهایی برای صنایع دستی در ایران گامی در جهت تداوم ارتباط پردیس-هنر در فرهنگ ایرانی نیز می تواند محسوب گردد.

بنابراین، پردیس ها در ایران پیش از اسلام و هم پس از اسلام بسیار مورد توجه بوده اند. به جهت اینکه هنر و صنعت دارای قرابت معنی هستند می بایست به حفظ صنایع دستی در جهت پیوستگی جریان هنر ایرانی پرداخت. ارتباط بین صنایع دستی و پردیس ها در تاریخ ایران نیز مشهود است. پس می توان با لحاظ نمودن جلوه های معنوی و آسایش باغها و نیز پرهیز از بیهودگی ارتباط بین این صنایع و پردیس ها را در معماری ایران تقویت نمود.

۴- تصدی پردیس صنایع دستی

به طور کلی برنامه ریزی برای صنایع دستی نیاز به بینشی جامع نسبت به شرایط زمانه دارد. از یک سو، جهان مدام در حال تغییر و تحول است و ملتها باید برای پایداری، توان سازگاری و هماهنگ شدن با زمانه ی خود را داشته باشند؛ و از سوی دیگر، باید بتوانند راههای استفاده ی بهینه و به روز از صنایع دستی خود را بیابند، آنگونه که امروزه بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته چنین کرده اند (کریمیان و عطارزاده، ۱۳۹۰). با توجه به نقش پردیسها در پوشش اهداف فرهنگی و هنری، پردیسهای صنایع دستی از ظرفیت بالقوه خاصی در سازگاری با تغییرات ذکر شده برخوردارند. از این جهت، تصدی پردیسهای صنایع دستی می تواند بسیار اثر گذار بر هماهنگی این صنایع با تحولات امور زمانه باشد.

از آنجا که لحاظ نمودن توامان پردیسها و صنایع دستی می تواند بر مداومت هنر و فرهنگ ایرانی بسیار اثرگذار باشد، پس برنامه ریزی و ساخت پردیس صنایع دستی می بایست در حوزه فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه، دولت میتواند با پشتیبانی و فعالسازی بخشهای خصوصی برای راه اندازی و حضور در بازارهای بین المللی زمینه های بسیاری را برای رشد اقتصادی با صنایع دستی فراهم آورد (شایسته فر، ۱۳۹۳). از اینرو، بخشی از وظایف تصدی پردیسهای صنایع دستی مربوط به نهادهای فرهنگی دولتی می شود. به علاوه، برنامه ریزی در راستای رواج و استمرار صنایع بومی کم رونق با تمرکز بر حفظ اصالتهای فرهنگی متنوع سرزمین ایران، از وظایف اصلی متصدیان امر خواهد بود (کریمیان و عطارزاده، ۱۳۹۰). بدین خاطر، تصدی دولتی در پردیس های صنایع دستی را می توان با تمرکز بر اصالتهای فرهنگی سرزمینی در نظر گرفت.

در این خصوص، پردیسهای صنایع دستی می توانند به صورت مجموعه ای از تصدی دولتی و خصوصی فعالیت کنند. بدین صورت که کل هر یک از این پردیسها توسط دولتها و یا با مشارکت بخش خصوصی احداث و فضاهایی از آن به بخش خصوصی جهت بهره برداری به صورت اجاره یا سهم الشرکه واگذار و الباقی در تصدی بخشهای دولتی باشد. بخشهای دولتی آن بیشتر جنبه حمایتی دارند و عمدتاً شامل بخشهای خدمات پژوهشی و اطلاع رسانی، مدیریت، حراست و پشتیبانی صنایع می شود. از این حیث، بیشتر بخشهای دولتی آن به کادر اداری تعلق میگیرد. فعالیت بخشهای خصوصی هم با حضور در بازارهای بین المللی صنایع دستی زمینه های بسیاری را برای رشد اقتصادی فراهم می آورد. برای مثال، گالریهای خصوصی هنرهای تجسمی از امکان حضور در بازارهای بسیار معتبری چون بازل سوئیس برخوردارند که موزه های دولتی حتی موزه هنرهای معاصر تهران نیز مجوز حضور در آن را ندارند (شایسته فر، ۱۳۹۳). از این رو، بخش خصوصی بیشتر به فعالیت های آموزشی، نمایشگاهی، تولید و عرضه می پردازد که این امر خود باعث رونق بخشیدن به صنایع دستی می شود. این بخش می تواند در تعامل بهتر و موثرتر با گردشگران فعالیت کند. بدین صورت، می توان از ظرفیتهای بالقوه بخشهای دولتی و خصوصی برای تصدی هرچه موثرتر در پردیسهای صنایع دستی بهره گرفت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

بنابراین، نقش بخش دولتی جهت تصدی پردیسهای صنایع دستی بسیار تعیین کننده است. از طرفی می توان تصدی کامل پردیسهای دولتی را به طور کامل به بخش دولتی سپرد. از طرف دیگر می توان تصدی بخشهایی از این پردیسه را به بخش خصوصی سپرد تا با بهره گیری از امتیازات ویژه این بخش در جهت موفقیت هرچه بیشتر این پردیسهها گام برداشت.

۵- بهره برداران پردیس صنایع دستی

بر پایه مطالب ذکر شده می توان گروههای متفاوتی را برای بهره برداری از پردیس صنایع دستی در نظر گرفت. این گروهها در واقع بهره برداران پردیس صنایع دستی هستند. آنها را میتوان به صورت زیر در نظر گرفت.

اداری: این گروه شامل افرادی است که در این پردیسهها در حوزه های مدیریت، حراست و بخش پشتیبانی صنایع مشغول به کار هستند. این گروه از بهره برداران چندانکه پیشتر اشاره شد بیشتر در زیر مجموعه های نهادهای دولتی مشغول به فعالیت می پردازند.

استادکاران: این گروه از بهره برداران به افرادی در مجموعه اطلاق می شود که در بخش آموزش پردیس صنایع دستی مشغول تعلیم و تدریس هستند و می توانند در حوزه تولید و عرضه نیز به ارائه آثار خود در این پردیسهها بپردازند. اساساً وضعیت اقتصادی هنرمند و پشتیبانی از او، تعیین و تضمین کننده نوآوری ایشان است (جلالی جعفری، ۱۳۷۹). بدین منظور، دعوت از عموم هنرمندان و استادکاران در جامعه می تواند باعث تقویت نوآوری در امر تولید صنایع دستی شود و به یکی از اهداف این پردیسهها که مداومت فرهنگ و تمدن ایرانی است یاری رساند.

پژوهشگران: در پردیس مورد نظر، پژوهشگران می توانند به مطالعه در زمینه صنایع دستی بومی این منطقه بپردازند. به طور کلی ضرورت دارد تا زمینه های بازیابی هنرهای ملی مورد واکاوی علمی پژوهشگران ذیربط قرار گیرد (کریمیان و عطارزاده، ۱۳۹۰). بدین منظور، لازم است جهت فعالیت این افراد فضاهای مختلفی برای مطالعه و نگهداری اسناد در نظر گرفته شود.

خریداران محلی آثار: ساکنان محلی نیز می توانند جهت انجام خرید و یا آشنایی با این صنایع در این پردیسهها حضور پیدا کنند. اساساً بازخورد مردم و ساکنان محلی یکی از عوامل اصلی در مکانیابی فضاهایی برای صنایع دستی بوده است (عبداله زاده فرد، ۱۳۹۶). پس خریداران محلی می توانند به پایایی هر چه بیشتر این پردیسهها کمک شایانی نمایند. حضور این گروه از بهره برداران می تواند به معرفی بهتر فرهنگ محلی و افزایش تعاملات فرهنگی با گردشگران نیز بیانجامد.

گردشگران: چندانکه که پیشتر اشاره شد، یکی از اصلی ترین گروههای مخاطب صنایع دستی گردشگران هستند. این گروه از ساکنان خارج از استان و یا کشور هستند که در پردیسههای صنایع دستی به بازدید از کارگاههای تولید و عرضه و همچنین نمایشگاه یا بازارچه می پردازند. در پژوهشی جان سوچا (۲۰۱۴) به بررسی نقش گردشگری در ارتقای صنایع دستی پرداخت. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ناآشنایی گردشگران با صنایع دستی از چالش های توسعه گردشگری در مناطق دارای این صنعت است و با توسعه این صنایع و معرفی درست آن ها می توان به بهبود سطح رفاه منطقه کمک شایانی کرد. از این منظر، بازدید بیشتر گردشگران آثار بسیار مهمی در زمینه های متعدد منجمله اقتصادی و فرهنگی دارد. خرید صنایع دستی به دلیل جاذبه های فرهنگی آشکارترین پیامد حضور گردشگران میتواند تلقی می گردد. تقویت ارتباطات فرهنگی و معرفی صنایع دستی به سایر جوامع نیز می تواند از این منظر دارای اهمیت باشد. پس در برنامه ریزی این پردیسهها نقش گردشگران بسیار حائز اهمیت است.

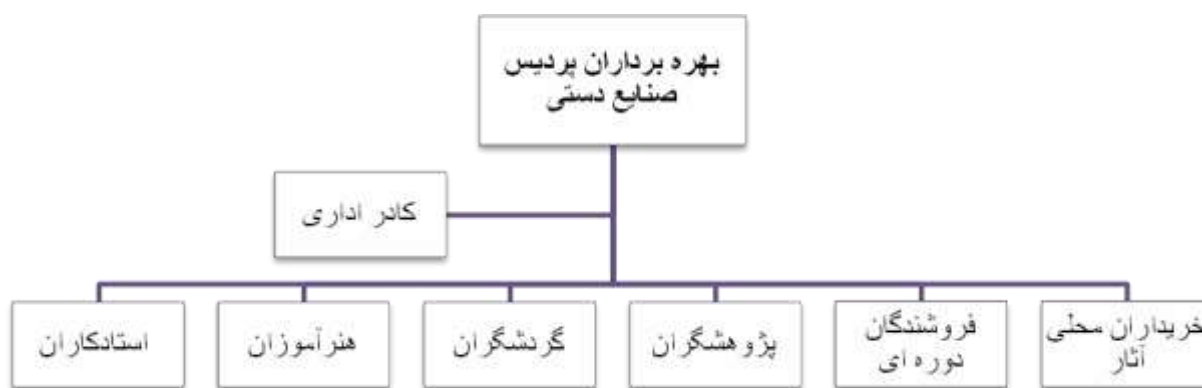
فروشنندگان دوره ای آثار: این گروه شامل افرادی است که می توانند از امکانات پردیس صنایع دستی جهت فروش آثار و یا تولیدات خود استفاده کنند. این افراد در بازارچه ویژه ی این پردیسهها به معرفی و فروش محصولات خود می پردازند. به طور کلی با توجه به دو مقوله کارایی و اثربخشی، ایجاد بازارچه های صنایع دستی در مراکز شهرستانها از نظر اقتصادی مقرون به صرفه تر و امکان رشد و پایایی بیشتری دارند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۱). براین اساس، طرح فضاهایی مانند بازارچه صنایع دستی در این پردیسهها می تواند برای عرضه تولیدات این گروه مزیت های زیادی به همراه داشته باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

هنر آموزان: هنرآموزان گروهی از بهره بردارانند که مشغول آموختن در پردیس صنایع دستی می شوند. یکی از مهم ترین راهکارهای توسعه صنایع دستی کشور، توجه به بخش آموزش و به روز رسانی نظام آموزشی آن بوده (فروغی نیا و همکاران، ۱۳۹۸). بهرحال، آموزش این هنرها و صنایع که در دسته بندی های مختلف در نظر گرفته می شوند در فضاهای معین نظیر کلاسها، کارگاهها و یا سالن همایش غالباً برای هنرآموزان پیش بینی می شود. این گروه از بهره برداران می توانند به نمایش آثار خود در فضاهای نمایشگاهی و یا حتی در کارگاههای تولیدی نیز بپردازند.

پس گروههای مختلفی از بهره برداران را می بایست برای پردیس صنایع دستی در نظر گرفت (شکل ۲). کادر اداری بیشتر مربوط به بخشهای دولتی این پردیسها می تواند در نظر گرفته شود. سایر گروههای استادکاران، هنرآموزان، گردشگران، فروشندگان دوره ای آثار و خریداران محلی را با تصدی خصوصی جهت افزایش ظرفیتهای بالقوه این پردیسها می توان در نظر گرفت. بدین صورت امکان فعالیت موثرتر بخشهای دولتی و خصوصی با یکدیگر فراهم می گردد.



شکل ۲- گروههای مختلفی از بهره برداران را می بایست برای پردیس صنایع دستی در نظر گرفت.

۶- برنامه روزانه پردیس صنایع دستی

بر مبنای گروههای بهره بردار، فضاهای معرفی شده و همینطور ارتباطات مطرح شده می توان فعالیتهای مورد نیاز جهت بهره برداری از پردیسهای صنایع دستی را برنامه ریزی نمود. در این راستا نقش آفرینی هر یک از گروههای بهره بردار در افزایش توان بالقوه پردیسهای صنایع دستی می بایست مورد توجه قرار گیرد. پس لازم است نقش گروههای بهره بردار را از طریق فعالیت روزانه در فضاهای پردیسهای صنایع دستی نیز دنبال نمود.

در این خصوص، آغاز به کار یک پردیس صنایع دستی را از هنگام صبح می توان در نظر گرفت. ورودی این پردیس در ارتباط مستقیم با بخش حراست برای نظم رفت و آمد قرار می گیرد و ورود ابتدا برای کادر اداری و پس از آن جهت سایر بهره برداران میسر می شود. بهتر آن است که بهره برداران در همان ابتدای ورود به ساختمانها قادر به تشخیص فضاهای بخش دولتی و حمایتی از سایر فضاها باشند تا بتواند بدون سردرگمی در این پردیسها، امور مربوطه را به آسانی بدون لزوم به حضور در سایر بخشها به انجام برسانند. به طور بالقوه، فضاهای شکل گرفته در محوطه این پردیس امکان اختصاص به تجمعات و ارایه آزاد آثار صنایع دستی را دارد، بصورتیکه شرایط ایجاد آسایش برای تجمع کلیه بهره برداران را میسر می سازد. از این رو، فضاهای دو سوی ورودی بنا در واقع از شرایط آسایش جهت فعالیت برخوردار می گردند.

از لحاظ فعالیت بهره برداران در پردیس صنایع دستی، میزان ساعات حضور در بخشهای دولتی و خصوصی متفاوت است. بدین صورت که بخش دولتی -بجز پشتیبانی- در ساعات کار معمول اداری در شهر به فعالیت می پردازد که معمولاً تا بعد از ظهر به طول می انجامد و بخش خصوصی این پردیس می تواند تا زمان مورد مطالبه سایر بهره برداران، که تا غروب آفتاب می تواند باشد، ادامه فعالیت دهد. البته این امر به صورتی است که امکان بهره برداری جداگانه بخش دولتی و خصوصی با توجه به تفاوت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ساعات کاری پردیس فراهم گردد تا به نحوی مناسب به فعالیتهای مورد نظر پشتیبانی لازم ارائه شود. در حوزه اداری این پردیسه‌ها، بخشهای پشتیبانی و پژوهشی و آموزشی و تولیدی به طریقی لازم است در نظر گرفته شوند که دسترسی آسانی با بخشهای مربوطه شان که در تصدی خصوصیت برقرار کنند تا در هنگام فعالیت پردیس به صورتی مستقیم در ارتباط با آنها باشند. این بخشها در عین حال با مدیریت این پردیسه‌ها نیز می‌توانند در ارتباط مستقیم باشند.

بدین ترتیب کلاسها و کارگاههای آموزشی در طول روز تا غروب آفتاب در اختیار بهره برداران قرار میگیرد تا به واسطه این مدت دسترسی، بتوانند پاسخگوی نیازهای بهره برداران با توجه به حضور مقاطع سنی متفاوت در این پردیس جهت تعلیم باشد. برنامه زمانی کلاسها به گونه ای لازم است تنظیم گردد که آموزش صناعی که بیشتر فراگیرندگان آن شاغل هستند از بعد از ساعت کار اداری آغاز و تا پایان ساعت کار پردیس ادامه می‌یابد. سایر اقشار فراگیرنده صنایع دستی نظیر خانه داران از ساعات ابتدایی کار این پردیس معمولاً بهره می‌برند. در زمینه تولید و عرضه، کارگاهها به صورت غرفه یا حجره هایی در مجاورت نمایشگاه و بازارچه می‌توانند در نظر گرفته شوند تا امکان بازدید از آنها در ساعات فعالیتشان به طریقی پیوسته و مجموعه وار برقرار شود. این زمان فعالیت مطابق توافق با صاحبان این صنایع و استادکاران است و می‌تواند از آغاز تا انتهای فعالیت روزانه پردیس باشد. لازم به توضیح است که امکان باز و بسته شدن این کارگاهها توسط استادکاران به جهت حضور در کارگاهها و همچنین امکان عدم بهره برداری همزمان از کارگاههای پر صدا و شلوغ می‌بایست فراهم شود.

ساعات کاری بخش پشتیبانی تا اندازه ای متفاوت است. از این جهت که برخی از فعالیتهای در ارتباط مستقیم با کلیه بهره برداران و برخی دیگر با گروه خاصی از بهره برداران است. برای مثال بوفه در ارتباط مستقیم با کلیه کاربران است و این خود مستلزم این است که در کلیه ساعات کاری آماده و در دسترس باشد. اما پشتیبانی بخش اداری می‌تواند بر اساس ساعات کار اداری معمول در شهر در نظر گرفته شوند.

علاوه بر روزهای معمول کاری این پردیس، شرایط و تسهیلاتی جهت مراسم ویژه و یا تعطیلات لازم است فراهم گردد. منجمله جمعه بازاری در محوطه مجموعه به جهت فعال ساختن این پردیس در روز پایانی هفته و توانایی جذب بیشتر گردشگر در این پردیس در آن روز می‌تواند ایجاد شود. این بازار هفتگی به صورتی است که کار در پردیس دچار اختلال نشده و از همان ابتدا انتخاب مسیر و مقصد امکان پذیر باشد. این بازار عموماً اختصاص به فروشندگان محلی دارد و از این طریق هم به ساماندهی و فروش محصولات این قشر کمک می‌شود و هم به گونه ای نظارت بر کیفیت محصولات و فعالیتهای آنها افزایش می‌یابد. کار و فعالیت پردیس در روزهای پایانی سال و نوروز نیز می‌تواند ادامه می‌یابد. این امر از آن جهت است که بدلیل افزایش حضور گردشگران در این موقع از سال، باعث رونق این پردیسه‌ها و حضور بیشتر مردم محلی می‌شود و می‌تواند حتی به مکانی جهت تعامل و گفتگو میان بهره برداران خصوصاً هنرمندان و استادکاران از دیگر نواحی تبدیل شود.

بنابراین لحاظ نمودن تفکیک بخش دولتی و خصوصی در سازماندهی فضاهای پردیس صنایع دستی امری مفید تلقی می‌گردد. بر این اساس، تفاوت در فضاهای دولتی و خصوصی می‌تواند در ساختار زمان فعالیت این فضاها نیز منعکس گردد. همچنین فراهم آوردن شرایط برای بازگشایی پردیس صنایع دستی علاوه بر روزهای کاری معمول، می‌تواند به اهداف اصلی ساخت این پردیس ها کمک شایانی نماید.

۷- مطالعه موردی: شهر یزد

از گذشته، مصادیقی از پیوند پردیس ها و باغها با صنایع دستی، مانند باغ-شهرها، را می‌توان در تاریخ ایران نام برد. البته احداث باغ - شهرها به خصوص در نقاطی مشهود تر بوده که دسترسی به آب آسان است. حال این پرسش می‌تواند مطرح گردد که برای مناطق واقع در اقلیم گرم و خشک چگونه می‌توان به چالشهای اقلیمی احداث پردیس برای صنایع دستی در دوران کنونی پاسخ گفت. بر این مبنای پژوهش حاضر ملاحظات نمونه ای برای پردیسه‌های صنایع دستی را در شهر یزد با بهره گیری از امکانات موجود شهری بررسی می‌کند. بدین منظور گام نخست شناسایی مکان مناسب برای طرح پردیس صنایع



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

دستی است. با توجه به باغهای موجود، این مکان در جوار باغ دولت آباد انتخاب می گردد تا اثر آسایش باغ و تجلی فرهنگی آن در مکان مورد مطالعه تقویت شود. پس پژوهش حاضر چالش یاد شده را از طریق مکان پیشنهادی در جوار باغ دولت آباد در نظر میگیرد و بر این اساس مطالب مطرح شده را در چارچوب ملاحظات طرح و بهره برداری مربوط به آن بررسی می نماید (شکل ۳).



شکل ۳- سایت انتخاب شده در مقابل باغ دولت دولت قرار دارد.

۱-۷- ملاحظات طراحی

به طور کلی از ویژگیهای شاخص مکان یاد شده به وجود باغ دولت آباد در مقابل جبهه اصلی سایت و مسجدی در سمت شرقی آن می بایست اشاره کرد. در سوی جنوبی و شمالی سایت نیز قرارگیری خانه ها حکایت از سکونت مشهود انسان در این محدوده دارند. در واقع، دسترسی آسان به آب در این مکان، حیات و سبزیگی را برای این محدوده به ارمغان می آورد. بر اساس موقعیت بناها، می توان سایت مورد نظر را به سه بخش کلی - که به ترتیب در مواجهه با مسجد، باغ دولت آباد و خانه ها قرار دارند - تقسیم نمود.

در این راستا، یافتن راهی برای ایجاد فضاهایی که هم بتواند پاسخگوی نیازهای متعدد مربوط به آسایش در این پردیسه از قبیل نور، تهویه و چشم انداز مناسب باشد و هم به برقراری بهتر ارتباط با مخاطب صنایع دستی کمک نماید لازم به نظر می رسد. برای ایجاد چنین فضاهایی، جهت باد مطلوب و غالب محل که بدون هیچ مانعی عمده ای به سایت مذکور برسد و همینطور تقسیمات خود باغ دولت آباد که در مواجهه باد مطلوب هم قرار میگیرد حایز اهمیت است. در نظر گرفتن ارتباطی بین پردیس صنایع دستی با سایر بناهای شاخص سایت، مانند مسجد، می تواند گامی در جهت یکپارچگی بافت موجود با معماری پردیس تلقی شود. از سویی دیگر مواجهه مستقیم با ورودی باغ دولت آباد نیز به ارتباط بصری و دسترسی مناسب تر پردیس صنایع دستی با باغ دولت آباد کمک می نماید.

مهمترین صنایع دستی استان یزد عبارت اند از: قالی بافی، چاقوسازی، سبدهافی، سنگ تراشی، تولید ابریشم و پارچه، زیلوبافی، سرامیک سازی، سفال سازی، کرباس بافی، حصیربافی، ترمه، چادرشب، دستمال عشایری و ابریشمی، طلا و نقره کاری (افشار، ۱۳۷۲). گرچه تا کنون دسته بندیهایی برای صنایع دستی مطرح شده است (طرح مطالعات جامع صنایع دستی ایران، ۱۳۸۶)، ملاحظات طراحی می تواند دسته بندی صنایع مذکور را بر اساس عوامل بنیادین پردیس و باغ ایرانی که آب، خاک و گیاه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

هستند در نظر گیرد (شکل ۴). پس از آن تلاش در یافتن نحوه برهمکنش صحیح عملکردها با این ساختار های منظور شده آغاز می شود. با توجه به تفاوت زمانی ساعات کار بخش اداری با سایر بخشها سعی شود تا این بخش با امکان دسترسی جداگانه نیز در طراحی لحاظ شود. همچنین بیان نمادین در سایت نظیر حضور نمادین آب از طریق متبلور شدن آن در فرم و فضاهای این پردیس در هماهنگی با دسته بندی لحاظ شده برای صنایع دستی اثرگذار است. ایجاد فضاهای گل و درختکاری اطراف بناها هم می تواند اشاره به نحوه جهت گیری کرت بندی های باغ دولت آباد داشته باشد و هم از جهت برقراری آسایش باعث سایه اندازی و نیز ایجاد برودت تبخیری جهت بهبود شرایط بهره برداری شود.

دسته بندی صنایع در پردیس صنایع دستی

برگرفته از گیاه
(مانند حصیربافی)

برگرفته از خاک
(مانند نقره کاری)

برگرفته از آب
(مانند سفال سازی)

شکل ۴- دسته بندی صنایع دستی را می توان بر اساس عوامل بنیادین پردیس و باغ ایرانی در نظر گرفت

در نهایت، سطوح و احجام می بایست باعث پدید آمدن انسجامی در طرح پردیس صنایع دستی شود که ضرب آهنگ و توالی موجود در معماری ساختمان باغ دولت آباد و کرت بندی های فضاهای سبز آن را امتداد دهد. بر پایه تعریف پردیس در معماری، آغاز و انجام این توالی با ردیفهایی از درخت و گل و در میان آن، ساختمانها با حضور شاخص یکی از بخشهای تقسیم شده سایت در مقابل ورودی باغ دولت آباد می تواند ایجاد شود. در مقابل مسجد موجود، توالی در بخش شرقی سایت به برقراری ارتباط با بنای این مسجد می انجامد.

۷-۲- ملاحظات بهره برداری

بی شک در تجمعات و ارائه آثار در این پردیسهها، چشم انداز باغ دولت آباد و به دنبال آن شاخص شدن ورودی این باغ در دیوار پیرامونی باغ توجه هر بیننده را به خود جلب می کند. پیش بینی استفاده از محوطه در این پردیس مانند نمایشگاه موقت عرضه و بازارچه باعث تقویت شفافیت مجموعه ای از کاربری ها در پیوند با باغ دولت آباد می شود. سبزینگی موجود در محیط نیز جاذبه ای برای بهره برداران جهت ماندن در فضاهای محوطه باغ محسوب می گردد. حفظ سبزینگی در داخل پردیس موردنظر، علاوه بر کاستن از صلبیت فضاها و ایجاد تخلخل، باعث امتداد یافتن فضاهای سبز تا داخل مجموعه می شود؛ به گونه ای که در بسیاری فضا، بهره برداران خود را در پیوند با آن فضاها می یابند و بدین طریق آنها تداوم پیوند پردیس صنایع دستی را با باغ استحکام می بخشند.

امتداد محور اصلی باغ دولت آباد تا ورودی پردیس نیز پاسخی در جهت تقویت تردد و حرکت بهره برداران در این محور تلقی می گردد. از لحاظ نمودن این محور در کلیه طبقات این پردیس نیز می توان در جهت تعامل بین صنایع دستی بهره گرفت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

بدین صورت ارتباط کارگاههای آموزشی نیز جهت بهره مندی از این تعامل در نظر گرفته می شود. برای این منظور، پراکندن فعالیت های عملکردی در سه سطح بر پایه دسته بندی صنایع دستی ذکر شده می تواند مفید باشد. همچنین با توجه به تعریف پردیس و طراحی فضاهای سبز در اطراف سایت، بخشی از این فضاهای سبز که در سمت شرقی سایت قرار می گیرد برای استفاده متقابل بین بهره برداران این پردیس و ساکنان محله مجاور قرار می گیرد. این امر خود از یک سو به نیازهای رفاهی و آسایش افراد ساکن محله پاسخ میدهد و از سوی دیگر می تواند به محلی برای تبادلات فرهنگی بین بهره برداران این پردیس مانند گردشگران و همچنین ساکنان محله بیانجامد. با اختصاص قسمتی از محوطه گل و درختکاری شده اطراف این پردیس به محله و ایجاد فضاهای متناظر با معماری مسجد، معانی محیط برای بهره برداران این پردیس تقویت می شود. برای نمونه، قرارگیری فضاهای پژوهشی این پردیس در مجاورت با بنای مسجد، می تواند محدوده ای فرهنگی در محله مذکور ایجاد نماید. در نهایت این قسمت سایت می تواند معرف یک ورودی به محله مجاور از طریق تداعی یک دروازه فرهنگی شود که باعث اثرگذاری در بهبود کیفیت زندگی در محله می شود.

۸- نتیجه گیری

پژوهش حاضر از طریق ارائه یک برنامه بیان میدارد که میتوان از جنبه های اثرگذار پردیس و باغها برای گسترش صنایع دستی که وابسته به هنر ایران است بهره برد. بدین صورت، تنوع صنایع دستی که نمایانگر ذوق و هنر مردمان ایرانی است در پیوند مستحکم با اندیشه ساخت پردیس و باغ قرار میگیرد. براین اساس، اهداف پردیس ها و باغها را در چارچوب فرهنگ ایرانی می توان گسترده تر ساخت. این پژوهش نشان می دهد که در نظر گرفتن پردیس صنایع دستی می تواند در راستای استمرار فرهنگ ایرانی عمل کند؛ به گونه ای که می توان تنوع صنایع دستی را در قالب دسته های مرتبط به یکدیگر بر پایه عوامل اصلی باغ پیوند داد. از این رو، فضاهایی چون بازارچه های صنایع دستی که پیشتر بررسی شده اند، می توانند در چارچوب فضاهای پردیس صنایع دستی قرار گیرند.

با تکیه بر اشتراکات هنر و صنعت، از ظرفیتهای بالقوه بخشهای خصوصی و دولتی برای گسترش صنایع دستی در محیط جذاب پردیس ها و باغها می توان بهره گرفت. بدین معنا که از طریق لحاظ نمودن توأمان ظرفیتهای بخش خصوصی و دولتی می توان به پیشبرد حداکثری اهداف پردیس صنایع دستی همسو با مداومت فرهنگ ایرانی دست یافت. در این زمینه، گروههای بهره بردار که به تناسب از بخشهای خصوصی هستند در هماهنگی با کادر اداری به عنوان گروهی از بهره برداران عمل می نمایند. بهره برداری از این پردیسها علاوه بر روزهای معمول در ایام تعطیل و مناسبتها می تواند بستر مناسبی جهت تعامل گردشگران و سایر گروههای بهره بردار و همچنین ساکنان محلی فراهم نماید تا موجب معرفی بیشتر و گسترش رونق صنایع دستی گردد. مضافاً وجود پردیسها و باغهای موجود نقش کلیدی برای طرح پردیسهای صنایع دستی در اقلیم گرم و خشک ایران می تواند داشته باشد. در این راستا، پردیسهای صنایع دستی در هماهنگی کامل با باغهای موجود علاوه بر تأثیرپذیری از عوامل اصلی باغ در دسته بندی صنایع دستی، از اثرگذاری فرهنگی و آسایش باغها نیز بهره می برند. در واقع، تأثیرپذیری پردیسهای صنایع دستی از محدودیتهای موجود در اقلیم گرم و خشک با اتصال به باغهای موجود کاهش می یابد.

مراجع

۱. آریان پور، علیرضا. (۱۳۶۵). پژوهشی در شناخت باغهای ایران و باغهای تاریخی شیراز، انتشارات فرهنگسرا.
۲. افشار (سیستانی)، ایرج. (۱۳۷۲). سیمای ایران: اوضاع جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، انتشارات آقابیک، چاپ اول
۳. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۹۰). معماری ایرانی، (تالیف و تدوین: دکتر غلامحسین معماریان)، چاپ سوم، تهران، انتشارات سروش دانش
۴. جلالی جعفری، بهنام. (۱۳۷۹). آموزش هنر، رونق اقتصادی، توسعه زیبایی شناسی، مجموعه مقالات گردهمایی پژوهشی اقتصاد و توسعه هنر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۲۱-۱۲۶



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۵. حیدری پور، اسفندیار، و مظفر، فرهنگ، و فیضی، محسن، و کلانتری، خلیل. (۱۳۹۷). تدوین مؤلفه های «شهر خلاق صنایع دستی» در محور فرهنگی-تاریخی اصفهان به روش تحلیل محتوا. نگرش های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، ۱۰(۲)، ۳۹-۲۳.
 ۶. چیت سازیان، امیرحسین. (۱۳۸۸). بازشناسی پردیس در بستر نمادگرایانه معماری و فرش ایران. گلجام، ۱۲(۱)، ۹۹-۱۱۲.
 ۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 ۸. شایسته فر، مهناز. (۱۳۹۳). اهمیت و لزوم پشتیبانی از صنایع دستی با تاکید بر ارایه راهکارها در رونق اقتصادی آن. مطالعات هنر اسلامی، ۱۰(۲۰)، ۱۰۷-۱۲۲.
 ۹. طرح مطالعات جامع صنایع دستی ایران، (۱۳۸۶) مجری دانشگاه تهران، کارفرما سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (سازمان صنایع دستی)، معارف، تهران.
 ۱۰. عبدالله زاده فرد، علیرضا. (۱۳۹۶). مکان یابی شهرک صنایع دستی گامی در راستای تحقق توسعه گردشگری پایدار (نمونه موردی: شهر شیراز). برنامه ریزی منطقه ای، ۷(۲۵)، ۱۴۳-۱۵۴.
 ۱۱. فروغی نیا، مریم، و سهرابی نصیرآبادی، مهین، و محمدی، مهدی. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی نظام آموزش رسمی صنایع دستی ایران و ترکیه با رویکرد "صنایع فرهنگی خلاق". مطالعات تطبیقی هنر، ۹(۱۷)، ۲۹-۴۲.
 ۱۲. کرمی، مهرداد، و چوپچیان، شهلا، و کلانتری، خلیل. (۱۳۹۱). برنامه ریزی فضایی به منظور مکان یابی بازارچه های صنایع دستی (مطالعه موردی استان خراسان جنوبی). مطالعات و پژوهش های شهری منطقه ای، ۴(۱۵)، ۲۱-۳۶.
 ۱۳. کریمیان، حسن، و عطارزاده، عبدالکریم. (۱۳۹۰). نقش انقلاب صنعتی در تحولات صنایع دستی ایران. مطالعات تاریخ اسلام، ۳(۱۱)، ۹۹-۱۲۰.
 ۱۴. متدین، حشمتاله و متدین، رضا. (۱۳۹۴). لزوم ایجاد باغ ایرانی. هنر و تمدن شرق، 26-19، 3(7)،
 ۱۵. معین، محمد. (۱۳۸۱)، فرهنگ معین، تهران، آدنا، کتاب راه نو.
 ۱۶. نصر، سید حسین، (۱۳۸۹)، هنر و معنویت اسلامی، (ترجمه رحیم قاسمیان)، چاپ دوم، تهران، انتشارات حکمت.
 ۱۷. یآوری، حسین، (۱۳۸۹)، شناخت صنایع دستی ایران، مهکامه، تهران.
18. Shahani, M. (2021). A Value-Based Approach to the Programming of Training Centers. Civil Engineering Research Journal, 12(3).
 19. Suja, J. (2014). A study on the role of tourism in promoting art and crafts. 2nd Int.conf. on global business, economics, finance and social sciences. Chennai, India 11- 13 july.